

فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره هشتم، شماره ۴ (۳۱)، زمستان ۱۳۹۸

صص ۸۳-۹۸

عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر همکاری مرز نشینان در ارتقاء امنیت نواحی

مرزی ارومیه^۱

کریم جبارنژاد - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

علیرضا زرگر^۲ - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

هادی رجبی - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

چکیده

امنیت مرزها پستوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل، امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و در داخل کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. هدف پژوهش بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر همکاری مرز نشینان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی ارومیه می باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نوع پیمایشی است جامعه آماری شامل تمامی فرماندهان و جانشینان واحدهای مرزی، مسئولین امنیتی و معاونین سیاسی و امنیتی است که در مجموع ۱۲۰ نفر می باشد حجم نمونه نیز به صورت تمام شمار می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. داده‌ها با نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد از دیدگاه مرز نشینان مشارکت در اجرای طرح‌های امنیتی سبب بیشتر شدن حس همکاری و تعاون بین مردم منطقه می شود. در مورد میزان آگاهی پاسخگویان در مورد روش‌های ارتقای امنیت مرز بیانگر آگاهی متوسط رو به زیاد پاسخگویان از جنبه‌های مختلف طرح‌های ارتقای امنیت مناطق مرزی می باشد.

واژگان کلیدی: عوامل سیاسی - اجتماعی، مشارکت مرز نشینان، امنیت مناطق مرزی.

۱. مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با همین عنوان در دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم

انتظامی امین می باشد.

Email: a.zargar.1976@gmail.com

۲. نویسنده مسئول

مقدمه

امنیت از اولین و ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری محسوب می‌شود اصلی‌ترین وظیفه حکومت تحقق عدالت در جهت تأمین امنیت انسان‌ها هست. امنیت لازمه تمامی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است چراکه وجود ناامنی تأثیرات مستقیم و همه جانبه بر جامعه ایجاد می‌کند. گستردگی مرزهای هر کشور بر استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت و امنیت ملی، اوضاع اقتصادی، فرهنگ و ایدئولوژی، دیپلماسی و نیروی نظامی آن کشور تأثیر مستقیم دارد بدین لحاظ توجه به وضعیت مرزها همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده و دولت‌ها برای کنترل مرزهای خود ناچار به سرمایه‌گذاری می‌باشند.

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و در داخل کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵). بروز مشکلات ناشی از ناامنی که از مرزها نشأت می‌گیرد مانع هرگونه سازندگی و پویایی شده و امنیت مرز مشترک بین دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این عوامل ناامنی باعث حضور عناصری چون ضدانقلاب، گروهک‌ها، تردهای غیرمجاز در منطقه می‌شود که این نیز تأثیر مستقیم در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی داشته و تحقق وحدت ملی را تهدید و قومیت‌گرایی را دامن می‌زند لذا امنیت داخلی در گرو اهتمام کافی به مرز و مرزداران است و تلاش در جهت رفع مشکلات آن‌ها جدای از توجه به امنیت کشور نیست.

1. Security

اگر نتوانیم عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری امنیت را مشخص سازیم و در حل آن نکوشیم، آسیب‌پذیری امنیت بسیار می‌گردد و در جامعه باعث ایجاد مشکلات عمیق‌تری در آینده می‌شود. همچنین عدم امنیت در یکی از جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان، به دیگر جنبه‌ها نیز سرایت کرده و همه‌گیر می‌شود. عدم تأمین امنیت اقتصادی، شغلی، سیاسی و به‌طور کلی اجتماعی زنگ خطر بسیار جدی است که اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، آتش آن دامن‌گیر کل جامعه و نظام سیاسی خواهد شد. برای اینکه در داخل کشور شرایط و امکانات لازم جهت شکوفایی اقتصادی فراهم آید، باید مرزهای مطمئن و کنترل‌شده وجود داشته باشد. در غیر این صورت مشکلات ناشی از عدم کنترل مرزها مانع گسترش و توسعه امور اقتصادی کشور خواهد شد و خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکر اقتصاد کشور وارد خواهد ساخت. به‌ویژه این که وجود ضعف اقتصادی کشورهای همسایه و مرزنشینان انگیزه‌های سودجویی قاچاقچیان بر دامنه این تأثیرات منفی می‌افزاید. وضعیت مرزها در اوضاع اقتصادی داخل کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۲۸).

مرزهای شهر ارومیه نیز با توجه به اینکه دروازه ورود به بازارهای اروپا هست و از هر لحاظ نیز دارای اهمیت و یکی از مناطق حساس تجارت در هر زمینه‌ای می‌باشد بنابراین باید بر مرزهای این منطقه اهمیت بیشتری داده شود تا خود مرزنشینان بر امنیت مرز توجه بیشتر داشته باشند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۱). با در نظر گرفتن اهمیت مرزها و تأثیر همه‌جانبه آن ضروری است مرزهای کشور را به‌منظور تأمین اهداف و تحقق آن‌ها به نحوی کنترل کرد که موجب گسترش روابط حسن هم‌جواری بین دو کشور و عدم آسیب‌پذیری مرزنشینان شود. به علت وجود جرائم خاص مرزی از جمله تردهای غیرمجاز مرزی، تحرکات عناصر مسلح غیرقانونی، قاچاق سوخت و انسان و اسلحه و مهمات مهمه از جمله عواملی هستند که باعث بروز زمینه‌های ناامنی در زندگی مردم محروم منطقه گردیده و دامنه آن امنیت مرز مورد مطالعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. قسمت اعظم مبارزه با قاچاق در مرزها توسط واحدهای مرزی مستقر در مناطق مرزی صورت می‌گیرد. امروزه مشارکت مردمی در

مدیریت جزء لاینفک آن شده است که آگاهی از نوع مشارکت، میزان آن، اثرات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پروژه‌ها بر مشارکت‌ها و همچنین اثرات مشارکت‌ها در موفقیت پروژه‌ها می‌تواند به مدیریت اصولی و پایدار یک واحد مدیریتی کمک شایانی نماید که تحقیق حاضر تلاشی برای نشان دادن این اثرات از طریق بررسی سؤال اساسی تحقیق است که عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر همکاری مرزنشینان در تأمین امنیت نواحی مرزی شهر ارومیه چیست؟

علی‌رغم همه تلاش‌های صورت گرفته در داخل کشور و اقداماتی که ما در مرزها و همکاری‌هایی که مرزنشینان داشته‌اند هنوز هم شاهد برخی از آسیب‌های امنیتی هستیم که تاکنون به صورت خاص به آن‌ها پرداخته نشده است. لذا هدف پژوهش بررسی عواملی که موجب همکاری مرزنشینان می‌شود تا تهدیدات ناشی از خاک کشورهای همسایه کمتر شده، تأمین امنیت مرزهای کشورمان و همچنین ایجاد ثبات امنیتی در مرزها پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

هادی (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس در جهت حفظ نظم و امنیت" انجام داده است. وی در تحقیق به این نتیجه رسیده است که عوامل مختلفی در میزان مشارکت شهروندان با پلیس تاثیر دارند که شامل منزلت اجتماعی پلیس نزد شهروندان، اعتماد به پلیس، شناخت شهروندان در مورد قانون، قانون مداری شهروندان و نقش پلیس در جهت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سهم متغیر قانون مداری شهروندان نسبت به سایر متغیرهای تحقیق در تبیین متغیر مشارکت شهروندان با پلیس بیشتر است. متغیر شناخت شهروندان در مورد قانون کمترین اثر مستقیم را دارد. با توجه به یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد قانون مداری شهروندان می‌تواند عاملی تعیین کننده در افزایش مشارکت با پلیس باشد. عبدی و کاشف (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی» با هدف بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با

ناجا در طرح ارتقای امنیت برای گسترش همکاری و اجتماعی است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با ۴۷ سؤال بود. نمونه گیری به صورت خوشه‌ای انجام شد و حجم نمونه ۴۲۱ نفر انتخاب شد یافته‌های تحقیق نشان داد بین متغیرهای مستقل این تحقیق با متغیر وابسته (میزان مشارکت شهروندان) در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه وجود دارد. قاسمی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش مشارکت جامعه در ارتقاء امنیت اجتماعی محلات منطقه تحت پوشش مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت کرمانشاه از دیدگاه ساکنین" به این موضوع پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مشارکت جامعه در مواردی که منجر به تأمین امنیت آنان می‌شود همچون «معرفی افراد شرور و معتادان موادفروش به پلیس» (۳۲/۲٪)، «جمع‌آوری ارادل و اوباش» (۳۲/۹٪)، «کمک در برقرار نمودن کیوسک پلیس ۱۱۰» (۳۹/۸٪) و «اصلاح و برقراری روشنایی معابر منطقه» (۳۴٪) از دیدگاه مردم واجد تأثیرگذاری زیاد بوده اما این مشارکت در مواردی نظیر کاهش وقوع جرائم و تخلفات (۳۵/۸٪) و کاهش فقر و بیکاری (۴۴/۱) همراه با تأثیر اندک بوده است؛ در سایر موارد همچون ارتقاء امنیت منطقه (۴۵/۴٪) و بهبود وضعیت ترافیکی منطقه (۴۰/۱٪) واجد تأثیرات متوسطی بوده است. نتایج این پژوهش نشان از مشارکت مردم در اکثر موارد از دیدگاه آنان دارای تأثیرگذاری خوبی بوده است و به نظر می‌رسد که استفاده از توان و قابلیت‌های مردم در مبحث تأمین امنیت محلات می‌تواند بسیار سودمند و تأثیرگذار باشد. چوخاچی زاده مقدم و امینی قشلاقی (۱۳۸۹) طی مطالعه‌ای به بررسی «بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی-امنیتی» پرداخته‌اند. در این تحقیق، با تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، وجود محدودیت‌ها و بی‌عدالتی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، عدم اتخاذ راهبردهای مناسب نظامی-امنیتی و تحولات مناطق کردنشین عراق و ترکیه در گسترش ناامنی در منطقه مؤثر شناخته شده و در راستای تأمین امنیت بهینه و ممانعت از گسترش

روزافزون تهدیدات و مناقشات در مناطق مرزی استان به ارائه راهکارها و پیشنهادهای لازم از بعد نظامی-امنیتی پرداخته شده است. سفیری (۱۳۸۷) پژوهشی درباره نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تأمین امنیت اجتماعی در شهر تهران انجام داده است، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد مشارکت مردمی برای تأمین امنیت محله‌ای در قالب گروه‌های غیردولتی دارای اهمیت بالایی است. نهادهای محله‌ای غیردولتی، پس از تأسیس و استقرار، بستر لازم را برای تأمین امنیت اجتماعی ایجاد می‌نمایند و از طریق مشارکت اجتماعی، افراد محله، به ویژه جوانان را به طور داوطلبانه در تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌های مربوط به محله، بر اساس زمینه‌های مختلف فعالیت این گروه‌ها و سطح عملیات آن‌ها دخالت می‌دهد.

سالاری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «چالش‌های امنیتی موجود در مرز ایران و ترکیه (مرز خوی)» چنین عنوان کرد که کشور ترکیه همسایه شمال غربی ایران، به سبب موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، داشتن حکومت لائیک، عضویت در پیمان ناتو، زبان رسمی ترکی، همکاری نظامی اقتصادی و سیاسی با رژیم اشغالگر قدس، مسئله ترکیب جمعیتی و پتانسیل کردها در قلمرو ترکیه دارای اهمیت است. لیکن فعالیت و حضور نیروهای پ.ک.ک.ک به صورت مسلحانه در نوار مرزی ایران و ترکیه و تردد آن‌ها به خاک جمهوری اسلامی ایران در امنیت مرزی میان دو کشور تأثیر منفی گذاشته است.

چارچوب نظری

آلن بیرو در تعریف مفهوم مشارکت^۱ چنین می‌نویسد: «مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت، از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد».

1. Participation

دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد» (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷). «او کلی» که گرایش خاص به ابعاد کاربردی مفهوم مشارکت دارد، ابتدا به بررسی مفهوم مشارکت پرداخته و معتقد است که مشارکت عبارت است از: حساس سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ‌گویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها. در همین راستا وی معتقد است مشارکت اجتماعی عبارت است از «مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) که تبلور عینی آن در همکاری با سازمان‌های غیردولتی و به ویژه انجمن‌ها یا گروه‌بندی‌های مشابه محقق می‌گردد؛ زیرا این نوع مؤسسات از مظاهر بارز فعالیت‌های غیرالزامی داوطلبانه و به طور کلی غیرسودجویانه تلقی شده است (محسنی، ۱۳۸۴: ۱۲). در مجموع می‌توان اظهار نظر نمود که تلاش‌های سازمان یافته مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود.

عوامل اجتماعی مؤثر در مشارکت افراد جامعه، عواملی اند که در بستر تعمیق اعتماد اجتماعی و با افزایش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه به سوق افراد جامعه به فعالیت‌های ارادی؛ مشارکت در امور محله، شهر و روستا؛ فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم؛ عضویت ساده در انجمن‌های محلی، خیریه، شغلی و فعالیت در این سازمان‌ها؛ سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها؛ درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام و حاکمیت؛ داشتن مقام رسمی اجتماعی؛ تلاش سازمان یافته شهروندان کمک می‌نماید. در تعریفی دیگر، عوامل اجتماعی مؤثر در مشارکت افراد جامعه آن دسته از «سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دراز مدت ارکان جامعه به منظور جامعه‌پذیر نمودن افراد و ایجاد گرایش و امکان حضور آحاد در فعالیت‌های مختلف اجتماعی که در کنش‌های متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد بیان شده

است. این مفهوم مبین ایجاد فرصت و بستر پویایی و نیل به تعالی فردی و اجتماعی و نیز عامل‌هایی که منجر به تسهیم وظایف فردی و اجتماعی و تعمیق هنجارهای پذیرفته شده بین افراد جامعه بوده، می‌باشد. این عوامل از جمله اقداماتی است که می‌بایست توسط سازمان‌ها اعم از دولتی و غیردولتی و با رویه‌ای معطوف به رویکرد ایجابی انجام شود (تصدیقی، ۱۳۹۱: ۹۵). به عقیده باری بوزان «عوامل سیاسی آندسته از عواملی هستند که از سوی نهادهای حاکمیتی و وابسته به ساختار نظام سیاسی برای ارضاء تمایلات سیاسی، تأمین خواست‌ها و مرتفع ساختن نیازهای دموکراسی خواهانه افراد جامعه صورت می‌پذیرد» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۸). عوامل سیاسی موثر در تسهیم وظایف اجتماعی افراد ریشه در نوع ذهنیت و تا اندازه‌ای قابل توجهی از ادراک افراد جامعه از سیاست ورزی حاکمان و خدمات مراجع سیاسی نسبت به پدیده‌های سیاسی معین و همچنین وابسته به نوع جامعه-پذیر شدن افراد جامعه در فرآیند آموزش‌های دموکراتیک تشکیل می‌شود که این عوامل برخوردار از مولفه‌هایی مانند: «ذهنی بودن»، «سیال بودن»، «نسی بودن»، «متغیر بودن» و ... در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دارای اختلاف می‌باشند.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی فرماندهان و جانشینان واحدهای مرزی، مسئولین امنیتی و معاونین سیاسی و امنیتی است که در مجموع ۱۲۰ نفر می‌باشد که به صورت تمام شمار در نظر گرفته شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از روش میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نظر خبرگان و نخبگان با اطلاع به حوزه تحقیق (تکنیک اعتبار صوری) و برای تعیین میزان پایایی سئوالات در مرحله پیش آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و نتایج محاسبات ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که ابزار مورد استفاده دارای آلفای مناسب و قابل قبول می‌باشد.

بحث و یافته‌ها

با توجه به اطلاعات مربوط به سن پاسخ‌دهندگان مشخص می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی کمتر از ۳۱ تا ۳۵ سال (۲۵ درصد) می‌باشد و گروه‌های سنی ۲۶ الی ۳۰ (۲۳ درصد) و کمتر از ۲۵ (۲۱ درصد) و گروه‌های سنی ۳۶ تا ۴۰ (۱۶ درصد) و گروه‌های سنی ۴۰ و بالاتر (۱۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با بررسی اطلاعات مربوط به میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان مشخص می‌شود در بین پاسخگویان تعداد ۱۹ نفر معادل ۱۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر، تعداد ۳۰ نفر معادل ۲۵ درصد دارای مدرک کارشناسی، تعداد ۴۳ نفر معادل ۳۶ درصد دارای مدرک فوق‌دیپلم و ۲۸ نفر معادل ۲۳ درصد دارای مدرک دیپلم وزیر دیپلم را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۱. عوامل سیاسی و اجتماعی مرزنشینان

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد و میانگین
عوامل سیاسی و اجتماعی مرزنشینان	۱۲۰	۵/۲۱۳۹	۰/۶۵۲۸	٪۷۱

در جدول فوق مقدار آمار t و درجه‌ی آزادی این آزمون $n=1$ و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات آمده است. طبق نتایج چنین استنباط می‌شود که با توجه به آزمون t و با توجه به سطح معنی‌داری آزمون برای سطح اطمینان ۹۹٪ کمتر از ۱٪ است. می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول تأیید می‌شود و با توجه به مقدار درجه آزادی متغیر و می‌توان گفت عوامل سیاسی و اجتماعی مرزنشینان بر همکاری مرزنشینان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی موثرند.

جدول شماره ۲. جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
عوامل سیاسی و اجتماعی مرزنشینان	۱۷/۲۸۵	۳۴۸	۰/۰۰۰

یافته‌های مربوط به فرضیات که با استفاده از آزمون t نشان داده می‌شود هدف از این آزمون بررسی میزان همبستگی و اثرات و عملکرد یک پدیده بر روی پدیده‌های دیگر است و با توجه به موضوع پژوهش عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر همکاری مرز نشینان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی است عوامل یا متغیرهای مستقل بر اساس رابطه و شدت این رابطه بر روی متغیر وابسته اثر می‌گذارند نخست باید بدانیم که همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد یا نه. با توجه به سطح معناداری $0/000$ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز $0/5$ با اطمینان 95% فرض H_0 رد می‌شود به عبارت دیگر بین عوامل سیاسی و اجتماعی مرز نشینان بر امنیت مرز مؤثر است.

جدول شماره ۳. میزان مشارکت مرز نشینان در ارتقاء امنیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی دار
مشارکت مرز نشینان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی	۱۲۰	۳۰/۴۸	۰/۳۲	۴۷/۲۵	۷۸	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول ۳ چنین استنباط می‌شود که با توجه به آزمون t و با توجه به سطح معنی دار آزمون برای سطح اطمینان 99% کمتر از 1% است. می‌توان نتیجه گرفت که رابطه همبستگی معنادار بین متغیرها وجود دارد و می‌توان گفت که مشارکت مرز نشینان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی شهر ارومیه مؤثر است.

جدول شماره ۴. عوامل سیاسی تاثیر گذار در ارتقاء امنیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی دار
عوامل سیاسی مؤثر بر همکاری مرز نشینان	۱۲۰	۲۹/۴۵	۰/۷۰	۵۲/۰۴	۷۹	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول ۴ چنین استنباط می‌شود که با توجه به آزمون t و با توجه به سطح معنی‌دار آزمون برای سطح اطمینان ۹۹٪ کمتر از ۱٪ است. می‌توان نتیجه گرفت که عوامل سیاسی مؤثر بر همکاری مرزنشینان که باعث ارتقا امنیت نواحی مرزی می‌شوند تأثیر گذار است.

جدول شماره شماره ۵. عوامل اجتماعی تأثیر گذار در ارتقاء امنیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
عوامل اجتماعی مؤثر بر همکاری مرزنشینان	۱۲۰	۳۵/۴۸	٪۳۵	۵۲/۲۵	۷۸	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول (۵) چنین استنباط می‌شود که با توجه به آزمون t و با توجه به سطح معنی‌دار آزمون برای سطح اطمینان ۱۰۰٪ کمتر از ۱٪ است. می‌توان نتیجه گرفت که رابطه همبستگی معنادار بین متغیرها وجود دارد می‌توان گفت که عوامل اجتماعی مؤثر بر همکاری مرزنشینان بر امنیت مرز می‌تواند مؤثر باشد.

نتیجه گیری

بررسی نتایج حاصل از انجام تحقیق نشان داد، از جمله راهکارهای ترغیب مرزنشینان به همکاری برای ارتقاء سطح امنیت در نواحی مرزی؛ تبیین اهمیت و ضرورت وجود امنیت در این نواحی توسط فرماندهی مرزبانی اعم از فرماندهان و کارکنان یگان‌های مستقر در این مناطق است. بی‌شک تا زمانی که افراد جامعه به درک عمیقی از ضرورت وجود امنیت نائل نگردند؛ نسبت به تعمیق و تامین آن نیز بی‌تفاوت خواهند بود. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد، از دیگر راهکارهای مؤثر در همکاری مرزنشینان برای ارتقاء سطح امنیت در نواحی مرزی؛ «صدور فتوا و حکم شرعی از سوی روحانیون منطقه مبنی بر وجوب مشارکت مرزنشینان در گسترش امنیت نواحی مرزی» و «جذب و همراه سازی نخبگان علمی - خبرگان، ریش سفیدان و منتقدان دینی - سیاسی و اجتماعی توسط فرماندهی

مرزبانان» می باشد. در تبیین این یافته می توان اظهار نمود با توجه به باورهای عمیق مذهبی و اعتقادات دینی مردم بومی مناطق مرزی و از سوی دیگر مقبولیت و مشروعیت انکارناپذیر علمای دینی مرزنشینان که از دیرباز مظهر وحدت و تجلی گر وفاق و همدلی و اتحاد مردم با یکدیگر بوده اند، بی شک دعوت مردم به همکاری با نیروهای نظامی و انتظامی در تولید و تامین امنیت می تواند در مشارکت مرزنشینان در این خصوص نقش مؤثری ایفا نماید. از سوی دیگر ساز مخالف متنفذان مرزنشین با حکومت مرکزی ربهانه های آشوب و اغتشاش را بیشتر می کند. از دیگر راهکارهای مؤثر در ترغیب مرزنشینان به همکاری در تامین امنیت نواحی مرزی؛ «انتخاب و معرفی همیاران برتر مرزبان توسط فرماندهی مرزبانان در جلسات عمومی» است. در تبیین این یافته می توان بیان داشت؛ با توجه به اینکه در سال های اخیر یکی از رهبردهای مهم فرماندهی مرزبانان در ارتقاء امنیت نواحی مرزی، گسترش سطح تعاملات با مرزنشینان بوده و در همین زمینه، اقدام به ساماندهی داوطلبانه مرزنشینان برای مشارکت در طرح های ارتقاء امنیت شده است؛ شناسایی، انتخاب و معرفی مرزنشینانی که بیشترین تلاش و مساعدت را در جهت تامین امنیت مرزها نموده و همکاری مطلوب و اثربخشی در این راستا داشته اند می تواند در ترغیب و افزایش انگیزه دیگر مرزنشینان برای گسترش رابطه شان با یگان های مرزبانان تاثیر مثبت و موثری بگذارد. یکی از راهکارهای موثر و اثربخش برای ارتقا سطح همکاری بومیان مرزنشینان در تامین امنیت نواحی مرزی «ارتقا سطح سواد رسانه ای مرزنشینان توسط مراجع زیربسط (تبیین اهداف و مقاصد برنامه های رسانه ای معاند نظام)» می باشد. از آنجا که یکی از مهمترین ابزارهای دشمنان ایران اسلامی برای ایجاد ناامنی در کشورمان، تحریک گسل های قومی - مذهبی در نواحی مرزی و بروز درگیری بین مرزنشینان و حاکمیت با بهره گیری از رسانه ها، ماهوره ها، فضای مجازی و ... می باشد؛ بی شک آگاه سازی و تقویت سطح بصیرت مرزنشینان و اطلاع رسانی مطلوب و تبیین سیاست های مزورانه و حيله گرانه معاندان داخلی و خارجی می تواند در راستای خنثی سازی برنامه های تفرقه افکنانه دشمنان ایران اسلامی نقش مؤثری

ایفا نماید. همچنان که بررسی‌ها و تعمق در نحوه عمل دشمنان ایران اسلامی نشان می‌دهد، مخالفان جمهوری اسلامی با هزینه‌های هنگفت و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حال طراحی و ساخت و پخش برنامه‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی برای تحریک مرزنیان با متهم نمودن نظام اسلامی به کوتاهی در توسعه بخشی به مناطق مرزی، به مخالفت با نظام و تقویت واگرایی قومی در نواحی مرزی کشور می‌باشند. از دیگر راهکارهای ترغیب مرزنیان به همکاری برای ارتقاء سطح امنیت در نواحی مرزی؛ «از بین بردن احساس محرومیت عینی و ذهنی مرزنیان با برجسته سازی اقدامات توسعه بخشی دولت توسط نهادهای ذیربط» می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان به دلایل متعددی اشاره نمود؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد همواره یکی از علل اصلی واگرایی قومیت‌های مرزنیان و از جمله عوامل مهم بروز نارضایتی در بین مرزنیان، احساس محرومیت ذهنی و عینی در این مناطق می‌باشد. نواحی مرزی کشورمان از دیرباز با محرومیت‌های ساختاری در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مواجه بوده و از بی‌مهری شدید دولت‌ها، صدمات زیادی خورده است.

در مجموع نتایج حاصل از تحقیق مؤید اهمیت عوامل اجتماعی و سیاسی در ترغیب مرزنیان به همکاری برای ارتقاء امنیت نواحی مرزی می‌باشد. بی‌تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه، تکامل جامعه و شکوفایی استعدادهای جامعه، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه، خلاقیت و تحرک اجتماعی اثر بخش، بدون امنیت بخصوص در مرزها امکان‌پذیر نخواهد بود. یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که امنیت را ارتقاء می‌بخشد و جامعه را سالم، آرام و مطلوب می‌سازد مشارکت اجتماعی و همکاری افراد جامعه برای تولید، تأمین و تثبیت امنیت است. بین میزان مشارکت اجتماعی افراد یک جامعه در تحقق زندگی بهتر و جامعه‌ای توسعه یافته با امنیتی پایدار و بادوام رابطه معناداری وجود دارد. مشارکت اجتماعی و همکاری افراد جامعه در ابعاد مختلف، باعث خواهد شد تا بی‌تفاوتی‌ها، از خود بیگانگی اجتماعی و فرهنگی رخ ندهد. مشارکت

از طریق بسیج نیروهای سازمان یافته مردمی، باعث توانمندی افراد خواهد شد. رشد و توسعه پایدار جامعه و تامین امنیت در نواحی مختلف کشور به خصوص مرزها و مناطق محروم پیرامونی که مستعد شکل گیری هرگونه ناامنی هستند، مرهون تقویت ساختارهای اجتماعی است.

منابع

- ۱) بیرو، آلن (۱۳۷۵) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- ۲) تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ (۱۳۹۱) مؤلفه های امنیت اجتماعی جهت سرمایه گذاری مطلوب با تأکید بر نقش امنیت درونی، فصلنامه علمی دانش انتظامی آذربایجان شرقی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۸۷-۱۰۶.
- ۳) جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹) امنیت عمومی و وحدت ملی، گزارش کمیته سیاسی، اجتماعی و امنیتی. چاپ اول. تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- ۴) چوخاچی زاده مقدم، محمد باقر؛ امینی قشلاقی، داوود (۱۳۸۹) بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی امنیتی، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۸۶ - ۲۱۰.
- ۵) حسینی، حسین (۱۳۸۷) احساس امنیت و مدیریت آن در جامعه، تهران، نشر مرکز.
- ۶) خطابی، غلامحسین (۱۳۷۴) مرزبانی، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- ۷) سالاری، علی (۱۳۸۶) چالش های امنیتی در مرز ایران و ترکیه با تأکید بر مرز خوی. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده علوم و فنون مرز.
- ۸) سفیری، خدیجه (۱۳۸۷)، نقش نهادهای غیردولتی محله ای در تامین امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص، ۱۴۳-۱۶۴.
- ۹) عبدی، رمضانعلی و کاشف، حمیدرضا (۱۳۹۴) بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۸، شماره ۴۴، صص، ۳۹ - ۵۵.

- ۱۰) قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴) عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۸، شماره ۴، صص، ۷۹-۱۱۰.
- ۱۱) محسنی تبریزی، علی (۱۳۷۱) زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ۱۲) نقیب زاده، سیدرضا؛ فاتحی دهقانی، ابوالقاسم؛ فروغیان، پروین (۱۳۹۱) نقش امنیت اجتماعی در میزان انحرافات در بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر شوش، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ۳، شماره ۷، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- ۱۳) هادی، صلاح‌الدین (۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس در جهت حفظ نظم و امنیت مطالعه موردی: شهروندان شهرستان ارومیه در سال ۱۳۹۳، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، مالزی.

Archive of SID